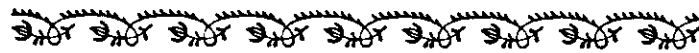




معاونت در جرائم



ماده ۲۸ «قانون مجازات عمومی» اشخاص ذیل معاون مجرم محسوبند:

- ۱- کسانی که باعث و محرك ارتكاب فعلی شوند که منشأ جرم است و بواسطه تحريك و ترغيب آنها آن فعل واقع شود.
- ۲- کسانی که تبانی بر ارتكاب جرم کرده و بواسطه تبانی آنها آن جرم واقع میشود.
- ۳- کسانی که با علم و اطلاع از حیث تهیه و تدارك آلات و اسباب جرم یا تسهیل اجرای آن یا بهرنحوه با مباشر جرم کمک کرده‌اند.

۱- معاونت در جرائم عمدی

موضوع سخن ما بحث درباره معاونت در جرائم است که در دو قسمت جداگانه تحت عنوان:

- ۱- معاونت در جرائم عمدی ۲- معاونت در جرائم غیر عمد تنظیم شده که مورد بحث و نقد قرار میگیرد.

اول معاونت در جرائم عمدی که ناظر به بند ۲ و ۳ ماده ۲۸ قانون مجازات عمومی است.

دوم معاونت در جرائم غیر عمدی که بنا به عقیده صاحب نظران حقوق جزا (از جمله آقای دکتر علی صدارت) ناظر به بند اول ماده مذکور است.

برای روشن شدن مطلب بدو به تعریف مرتکب جرم (مباشر) به اختصار و سپس در مورد معاون جرم و انواع آن میپردازیم.

مباشر یا (مرتکب) جرم کسی است که عمل یا اعمال تشکیل دهنده جرم مستقیماً از او سر زده است. اعم از اینکه مرتکب عمل مجرمانه يك نفر باشد یا چند نفر که در اینجا گفتگوی ما منصرف از مباحث شريك جرم است و همچنین

فارغ از مباحث مفصل حقوقی ارکان سه‌گانه جرم (۱- رکن مادی ۲- رکن معنوی یا سوء نیت ۳- رکن قانونی) هستیم بلکه فقط عنوان منتخب یعنی (معاونت در جرائم) مورد نظر ما میباشد بنابراین رکن مادی و یا عنصر مادی هر جرم را به دو صورت میتوانیم تجزیه و تحلیل کنیم یکی عمل مجرمانه بصورت (مباشرت) و دیگر همکاری مجرمانه بنام (معاونت) که در این همکاری مجرمانه برخلاف صورت اول که بنحو شرکت یا فاعل مستقل جلوه مینماید همکار و یا همکاران مجرم مطلقاً دخالتی در عمل و یا اعمال تشکیل دهنده جرم نداشته و فقط منشأ اعمال مقدماتی جرم میباشند در اینصورت همکاران مجرم اصلی را (معاون جرم) و عمل آنانرا (معاونت) مینامند، عبارت دیگر میتوان گفت (معاون جرم) شخصی است که در اعمال تشکیل دهنده جرم دخالتی نداشته و فقط منشأ و مصدر اعمال مقدماتی جرم است که به ارتکاب جرم از طرف شخص دیگری می‌انجامد.

شعبه سوم دیوانعالی کشور در حکم شماره ۲۴۱۸-۲۸/۱۰/۱۷ درباره معاون جرم چنین میگوید: (منظور از معاون جرم اشخاصی هستند که اقدامی در اصل عمل یا شروع آن نکرده باشند بنابراین اگر چند نفر تبانی در ارتکاب جرمی کنند و آن جرم را شخصاً انجام دهند یا شروع به اجرای آن نمایند مجرم اصلی هستند نه معاون).

اکنون به اصل مقصود (پس از ذکر مقدمه‌ای که گذشت) یعنی بحث درباره معاونت و ارکان تشکیل دهنده آن و اقسام معاونت (معاونت در جرائم عمدی و غیر عمدی) و در صورت لزوم مجازات معاونت نیز میپردازیم.

ارکان تشکیل دهنده معاونت در قانون جزای ایران معاونت نیز مانند مباشرت تحقیق محتاج به وجود شرایط و ارکانی است از جمله (۱- لزوم جرم اصلی و نوع و خصوصیات آن ۲- اوضاع و احوال شخصی مرتکب اصلی ۳- اعمال تشکیل دهنده معاونت که این هم شامل عنصر مادی و معنوی و قانونی آن است که در حقوق سه‌گانه ماده ۲۸ قانون جزا تصریح گردیده) اینک درباره هر یک از ارکان تشکیل دهنده معاونت اجمالاً گفتگو میکنیم و احیاناً از آراء شعب دیوانعالی کشور و همچنین رویه قضائی و نظر مشورتی کمیسیون مربوطه اداره حقوقی و نیز اظهار نظر بعضی از صاحب نظران را در این مقاله بعنوان شاهد مثال متذکر میشویم:

۱- لزوم جرم اصلی در معاونت و نوع و خصوصیات آن برای تحقق معاونت وقوع و یا لا اقل شروع عمل (قابل مجازاتی) ناگزیر است که آنرا جرم اصلی و مرتکب آنرا مجرم اصلی نامیم که نوع و خصوصیات آن بشرح زیر است.

۱- فعلی که جرم اصلی را تشکیل میدهد باید قانوناً قابل مجازات باشد یعنی همکاری مجرمانه دارای رکن قانونی باشد عبارت دیگر فعل از لحاظ قانون جرم باشد و لذا معاونت در فعلی که اصولاً جرم نباشد تحقق نمی‌یابد یعنی چنین معاونتی نیز قابل مجازات نیست مثلاً معاونت در خودکشی باتمام خطری که برای

اجتماع متصور است در قانون جزائی ایران جرم محسوب نمیگردد زیرا عمل اصلی یعنی خودکشی (انتحار) اصولاً جرم نیست (هرچند اخلاقاً و یا از لحاظ دین اسلام گناهی نابخشودنی است).

۲- فعل باید انجام و متحقق شود و یا حداقل شروع شده و شروع آن نیز قابل کیفر باشد بنا بر این اگر کسی دیگری را تحریک به ارتکاب جرمی نماید ولی از طرف شخص تحریک شده هیچگونه عملی سرزنند محرك مستوجب مجازاتی نخواهد بود (البته قانوناً نه اخلاقاً) پس بطور کلی معاون جرم هنگامی مستحق کیفر است که فاعل اصلی مرتکب جرمی شود و یا شروع به اجرای آن نماید.

۳- هرگاه جرم اصلی بعلمی (از قبیل شمول مرور زمان یا عفو عمومی و یا گذشت مدعی خصوصی) غیر قابل تعقیب یا مجازات گردد معاون جرم نیز قابل تعقیب و مجازات نخواهد بود مگر اینکه در مورد عفو عمومی بر اساس وجود وصف خاصی که در مجرم اصلی بوده و معاون فاقد آن وصف باشد.

۴- به پیروی از اصل وابستگی (که قانون جزای ایران در مقام تشریح معاونت و تعیین کیفر طریق وابستگی نسبی را پذیرفته است) و اینکه معاونت جرم مستقلی نیست هرگاه مقنن از عمل اصلی (که در تاریخ ارتکاب جرم بوده) بعداً عنوان جرم را بردارد عمل معاون نیز به تبع آن (جرم نخواهد بود) رأی شماره ۷۱۷ - ۱۸۴۴۴ شعبه ۲ دیوانعالی کشور مؤید این مطلب است.

۵- هرگاه به جهت وجود یکی از علل قانونی (مانند دفاع مشروع یعنی موضوع ماده ۱۷۹ قانون مجازات عمومی) عمل اصلی فاقد عنوان جرم باشد عمل معاون نیز جرم نبوده و قابل مجازات نیست بعکس اگر عمل اصلی جرم باشد ولی بعلمی مرتکب اصلی از مجازات معاف می شود در اینجا معاون جرم قابل مجازات است یعنی اوضاع و احوال شخصی مرتکب اصلی (که بعداً بیان خواهیم کرد) موجب چنین وضعی می گردد.

۶- معاونت در جرائم خلاقی (حسب ماده ۲۷ قانون جزای عمومی) نیز قابل مجازات است زیرا مستنبط از مفاد ماده مذکور (ماده ۲۷) شرکت و معاونت در (مطلق جرم) را قابل کیفر دانسته.

۲- اوضاع و احوال مرتکب اصلی: در بعضی موارد (برعکس آنچه که گذشت) وضع خاص مجرم اصلی در شخص معاون جرم تأثیری ندارد (خواه بحکم قانون و خواه در عمل) و مجرم اصلی از مسؤولیت بری می شود و یا از کیفر قانونی میرهد و این امر درباره معاون جرم اثری نمی نماید مثلاً هرگاه مجرم اصلی بعلمی از قبیل جنون یا اجبار یا به سبب معافیت قانونی از کیفر برهد یا اصولاً شناخته نشود و یا از دسترس مجریان قانونی و مراجع انتظامی خارج گردد و یا فوت نماید هیچیک از این احوال در وضع شخص معاون جرم اثری نداشته و او همچنان قابل تعقیب و مجازات است رأی شماره ۱۲۲۲۳ - ۲۶۹۲۵ دیوانعالی کشور نیز در تأیید همین مطلب است - که بعلت رعایت اختصار از ذکر متن رأی مذکور

۳- اعمال تشکیل‌دهنده معاونت: دومین شرط تحقق معاونت (بعد از لزوم جرم اصلی و نوع و خصوصیات آن و توجه به اوضاع و احوال شخصی مرتکب اصلی) با توجه به مفاد ماده ۲۸ قانون مجازات عمومی این است که اولاً از معاون جرم فعل مثبتی سرزند بنابراین معاونت همیشه با وقوع فعل مثبت محقق میگردد (نه فعل منفی و ترك فعل) در این مورد شعبه ۵ دیوانعالی کشور در حکم شماره ۲۵۰۴-۱۷/۱۱/۶۹ چنین می‌گوید: سکوت و عدم اقدام به جلوگیری از ارتکاب جرم را نمی‌شود معاونت تلقی کرد بنابراین اگر کسی در حضور دیگری مرتکب قتلی شود و شخص حاضر با امکان جلوگیری سکوت اختیار کند شخص حاضر مستوجب هیچگونه مجازاتی نیست ولی بنظر حقیر در این مورد مفاد شعر نغز سعدی را نباید از نظر دور داشت و بلکه باید بکمک دین و اخلاق ضعف مقنن و قانونی را که از طرف بشر وضع میگردد جبران نماییم.

اگر بینی که نابینا و چاه است اگر خاموش بنشیننی گناه است
ثانیاً عملی که از معاون جرم سر میزند و در حقیقت رکن مادی جرم معاونت است باید از جمله اعمالی باشد که:

به موجب قانون پیش‌بینی شده است یعنی باید محقق شود که عمل معاون منطبق با کدامیک از شقوق سه‌گانه ماده ۲۸ قانون مجازات عمومی است به عبارت دیگر عمل معاون جرم باید مشمول ۱- تحریک (بند اول) ۲- تبانی (بند دوم) ۳- تهیه وسایل (بند ماده ۲۸) یا یکی از آنان باشد اکنون درباره هر یک از این شقوق مذکور جداگانه بحث می‌کنیم:

۱- تحریک: محرك جرم ممکن است عملش به سه شکل جلوه‌گر شود ۱- گاهی مقنن بعلمت اهمیت عمل مجرمانه تحریک را به عنوان جرم خاصی قابل مجازات دانسته مانند مفاد ماده ۶۹ قانون مجازات عمومی که بموجب آن (هرکس اهالی مملکت را صریحاً تحریص به مسلح شدن بر ضد حکومت ملی نماید...) ۲- گاهی قانون مجازات عمومی محرك را بعنوان (مرتکب معنوی جرم) مجازات می‌نماید از جمله مواد ۱۰۹ و ۱۹۸ و ۲۰۰ و ۲۰۲ قانون مجازات عمومی که حاکی از این است که کسی شخصاً یا به توسط دیگری برای معافیت خود یا دیگری گواهینامه ینام پزشکی یا جراح جعل کند یا شخصاً یا به توسط دیگری کودک یا شخص عاجزی را در محل خالی از سکنه یا آبادی رها کند یا کودکی را بدزدد یا به حيله بر باید قابل مجازات است ۳- در سایر موارد محرك بعنوان (معاون جرم) شناخته شده که بحث ما مربوط به همین قسمت اخیر یعنی (معاون جرم ناظر به ماده ۲۸) است و در این مورد باید گفت که:

اولاً عمل کسی که متهم به تحریک جرم است بطوری باشد که حقیقتاً به سرحد تحریک و سببیت رسیده باشد بنابراین هر عمل و گفتاری که قابل صدق (عنوان باعث و محرك) نیست نمی‌تواند تحریک تلقی گردد مثلاً کسی بد دیگری بگوید

(بعقیده من اگر تو فلان جرم را مرتکب شوی فلان نفع عاید تو می‌گردد).
ثانیاً باید میان عمل تحریک و فعلی که منشأ جرم می‌باشد رابطه سببیت موجود باشد. مثلاً اگر کسی دیگری را تحریک به ارتکاب جرمی کند و آن جرم هم واقع شود ولی در حقیقت سبب وقوع آن جرم امر دیگری باشد و بعبارت دیگر تحریک با (وصف تحریک بودن) در اراده فاعل اثری نبخشیده در اینجا تحریک (قابل مجازات) صادق نخواهد بود و قاضی است که باید در هر مورد خاص با رعایت نکات مذکور و بر حسب دلایل و قرائن موجود تشخیص دهد که تحریک (قابل مجازات) بعنوان معاونت صادق است یا نه؟

۲- تبانی: تبانی دومین شکل معاونت در ارتکاب جرم است و شرط تحقق معاونت (بشکل تبانی) علاوه بر صدق عنوان تبانی وجود رابطه علیت میان جرم و تبانی (انجام یافته) می‌باشد. فرض مقنن این است که چند نفر بر ارتکاب جرمی تبانی کنند و بر اثر آن تبانی و به سبب آن بوسیله بعضی از تبانی‌کنندگان یا کسانی از خارج آن جرم واقع شود، کسانی که مرتکب جرم شده‌اند مجرمین اصلی و باقی تبانی‌کنندگان معاون هستند اما اگر چند نفر تبانی به ارتکاب جرمی کنند ولی آن جرم را مستقیماً انجام دهند یا شروع به اجرای آن نمایند مجرمین اصلی محسوب می‌شوند و چنین اشخاصی را نمی‌توان معاون جرم تلقی نمود.

۳- تهیه وسایل (و کمک به مجرم): بند سوم از ماده ۲۸ را می‌توان به دو قسمت متمایز تجزیه نمود (۱- تهیه وسایل ۲- تسهیل ارتکاب جرم و یا هر نوع کمک به مجرم).

مقصود از تهیه وسایل جرم فراهم کردن هر نوع آلت برای ارتکاب یا تسهیل ارتکاب جرم است و شرط تحقق معاونت به این قسمت از ماده ۲۸ آن است که تهیه‌کننده وسیله علم و اطلاع داشته باشد که وسیله مزبور برای ارتکاب جرم است و مقصود از تسهیل ارتکاب جرم و هر نوع کمک به مجرم ممکن است یا پیش از ارتکاب یا مقارن با ارتکاب جرم باشد؛ اولی مانند کمین کردن در محلی بمنظور اینکه سارق بتواند در فرصت مناسبی دست بسرقت بزند و دومی مانند اینکه کسی دیگری را نگه دارد و شخص دیگری با زدن فشنگ و گلوله بصورت وی او را بقتل برساند که در اینجا عمل متهم اول معاونت در قتل بشمار میرود. و یا مثلاً کسی روی سینه دیگری بنشیند و شخص ضرباتی بر او وارد کند که موجب مرگ وی گردد. عمل شخص اول معاونت در ایراد ضرب منتهی به فوت و مصداق ماده ۱۷۱ قانون مجازات عمومی است.

منظور از کمک و مساعدت به مجرم عام است و هر نوع عملی که بوجهی مساعدت به مجرم تلقی شود و وقوع جرم را آسان نماید معاونت محسوب می‌شود مثلاً کسی با علم و اطلاع برای آقای تاجر ورشکسته قرض کند و تا مدتی مانع ظهور و بروز ورشکستگی او گردد عمل وی معاونت تلقی می‌شود آراء شماره ۹۲۱ - ۲۱/۶/۱۶ و ۱۸۱۱ - ۱۸/۸/۵ و ۲۹۷۱ - ۱۷/۱۲/۱ شعبه ۲ دیوانعالی

کشور مؤید امثله فوق است.

اما اگر مساعدت بمجرم بعد از ارتکاب جرم باشد مثل (اخفاء مال مسروق و یا پناه دادن مجرم) معاونت تلقی نمیگردد بلکه جرائم خاصی است که در قانون مجازات عمومی از جمله مورد اول آن در ماده واحده اصلاح ماده ۲۳۰ قانون مجازات عمومی پیشبینی شده است.

سوءنیت سومین شرط تحقق معاونت که از ارکان تشکیلدهنده معاونت در قانون جزای عمومی ایران است سوءنیت (عنصر معنوی مجرم معاونت) میباشد. سوءنیت معاون جرم در جرائم کاملاً روشن است و در شقوق دوم و سوم ماده ۲۸ قانون جزا تصریح گردیده مثلاً تحریک کسی به کشتن دیگری یا کمک بسارق (در کار سرقت) لزوماً متضمن سوءنیت یا (قصد محرمانه) است اما در جرائم غیر عمدی مطلب باین سادگی نیست و بلکه عقاید مختلفی از طرف بعضی از متخصصین حقوق جزا و صاحبانظران و قضات محترم ابراز شده است و این سؤال پیش می‌آید که آیا در جرائم غیرعمدی نیز معاونت قابل تصور است یا نه؟

۲- معاونت در جرائم غیرعمدی

بعضی معتقدند که جرائم غیرعمدی نمی‌تواند معاون داشته باشد و دلائلشان این است که سوءنیت یا (عمد در عمل) از شرایط معاونت است و حال آنکه در جرائم غیر عمدی مجرم اصلی نیز سوءنیت ندارد (تا چه رسد بمعاون او) با این استدلال (نتیجه) باید پذیرفت که نه‌تنها در جرائم غیرعمدی بمعنای اخص یعنی جرائم مذکور در مادتين ۱۷۴ و ۱۷۷ قانون مجازات عمومی (که در مورد جرح و قتل غیرعمدی است) معاونت قابل تصور نیست بلکه در کلیه امور خلافي و جنحه‌های کوچک (از قبیل جنحه‌های مذکور در قانون شکار و تذکره و پست و مالیات که رکن معنوی آنها بجای سوءنیت خطای مفروض از طرف قانونگذار است و از اینجهت در حکم جرائم غیرعمدی میباشد) معاونت وجود نخواهد داشت زیرا با وصف (عدم سوءنیت) در مجرم اصلی برحسب تعریف وجود (سوءنیت) در معاون نیز معقول نیست بعکس برخی دیگر را عقیده بر این است که جرائم غیرعمدی نیز می‌تواند معاون داشته باشد مستند نظر اینان شاید رأی شماره ۲۷۶۴ - ۱۶/۱۲/۲۹ شعبه ۵ دیوانعالی کشور و نظرات اقلیت اعضای کمیسیون مشورتی حقوق جزای عمومی اداره حقوقی وزارت دادگستری مندرج در شماره ۱۵ مجله هفته دادگستری می‌باشد که اینک قسمتی از رأی مذکور قرائت می‌شود (در جرائم غیر عمدی معاونت بهمین قدر صدق می‌کند که با علم و اطلاع به اینکه شخصی در کار مهارت ندارد یا آن کار برخلاف نظامات دولتی یا بی‌احتیاطی است و ممکن است منجر به حادثه خطرناکی شود با آن شخص معاونت کند بنابراین اگر راننده‌ای فرمان ماشین را به‌شاگرد خود (که میدانسته پروانه ندارد) بدهد و در نتیجه منجر به قتل غیرعمد شود عمل او معاونت در جرم و مشمول ماده ۱۷۷ قانون

مجازات عمومی است).

هر چند کمیسیون مشورتی حقوق جزای عمومی در جلسات مورخ ۲۶/۳/۲۳ (مجله شماره ۱۵ هفته دادگستری سال ۴۳) و ۱۰/۱۱/۴۳ (مجله شماره ۳۱ هفته دادگستری سال ۴۴) در مورد قتل غیر عمد در اثر رانندگی بدون پروانه را که معاون جرم داشته باشد عمل معاون را فقط معاونت در رانندگی بدون پروانه دانسته است نه معاونت در قتل غیر عمد لیکن باید گفت از عبارات بند اول ماده ۲۸ به هیچ وجه لزوم وجود (سوءنیت) در مطلق معاونت استنباط نمی شود بلکه فقط در تبانی و تهیه وسایل و مساعدت بمجرم است که سوءنیت عقلاً ناگزیر است زیرا تبانی در ارتکاب جرم فقط در جرائم عمدی (یعنی جرائمی که رکن معنوی آنها سوءنیت است) معقول است و در نتیجه معاونت از این طریق (عقلاً) بی سوءنیت ممکن نخواهد بود.

در مورد تهیه وسایل و تسمهیل جرم نیز به صراحت قانون (به علم و اطلاع معاون از اینکه بمباشر جرم کمک می کند) مقید شده و این علم و اطلاع چیزی جز سوءنیت نیست بالنتیجه مشکل است که این دو نوع معاونت را (۱- تبانی ۲- تهیه وسایل جرم و مساعدت بمجرم) قابل تسری به جرائم غیر عمدی دانست مگر اینکه بی احتیاطی و تغلف از نظامات دولتی بحدی باشد که بظن قریب بیقین وقوع جرم ناگزیر باشد مانند مثالهای زیر ۱- مالک ماشینی به راننده ای (که گواهینامه رانندگی دارد) دستور میدهد که اتومبیل را با وجود عیب و نقص فنی بکار اندازد راننده هم اینکار را می کند و مرتکب قتل غیر عمدی می شود که در این مورد راننده (مباشر اصلی) و مالک (معاون جرم) است ۲- با اینکه مثلاً کسی به راننده وعده بدهد که از این مکان تا به آنجا مثلاً با فلان سرعت رانندگی کند و این شخص این کار را هم بکند و در نتیجه مرتکب قتل غیر عمد شود اما در طریق دیگر معاونت یعنی تحریک خصوصاً با طرز انشاء بند اول ماده ۲۸ همیشه وجود (سوءنیت) شرط تحقق معاونت نیست زیرا به موجب این بند کسانی که (باعث و محرک فعلی شوند که منشأ جرم است و بواسطه تحریک و ترغیب آنها آن فعل واقع شود معاون هستند و در جرائم غیر عمدی بمعنای اعم (مانند رانندگی منجر بوقوع جرح و قتل) در صورتیکه (فعلی که منشأ جرم بوده) و بتحریک دیگری واقع شود (بموجب ماده ۲۸) آن شخص باید معاون شناخته شود مثلاً صاحب اتومبیلی راننده اش را تشویق و ترغیب کند (یعنی تحریک نماید) که اتومبیل را در جهت ممنوع براند و در اثر آن جرم غیر عمدی رخ دهد (و یا مثلاً منجر به قتل غیر عمدی شود) بدیهی است فعل منشأ جرم یعنی (رانند اتومبیل) به تحریک صاحب اتومبیل واقع شده و بنابراین به صراحت ماده ۲۸ (بند یک ماده ۲۸) آن عمل (صاحب اتومبیل) جرم شناخته می شود و همانطور که عنصر معنوی جرم اصلی (خطای ناشی از عدم رعایت نظامات است رکن معنوی (معاونت) نیز از همان نوع (خطا) خواهد بود. بنا به عقیده بعضی از صاحب نظران با پذیرش این عقیده و با قبول این

تفسیر از ماده ۲۸ قانون مجازات عمومی بسیاری از مجرمین و اشخاصی که ممکن است محرک و مسبب بسیاری از جرائم باشند از کیفر قانونی نخواهند رست و بدین طریق نیز دفاع اجتماع بهتر تأمین خواهد شد.

وحدت قصد (بین مجرم اصلی یا مباشر جرم و معاون جرم) با توجه به شقوق سه‌گانه معاونت در ماده ۲۸ محقق می‌شود که وقتی می‌توان معاون را بجرم معاونت مجازات کرد که در دو مورد (۱- تبانی ۲- تهیه وسایل و مساعدت به مجرم) از قصد مجرمانه (مرتکب اصلی جرم) اطلاع داشته باشد و در مورد سوم (یعنی تحریک به ارتکاب عملی که منشأ جرم است) از چگونگی عمل مزبور مطلع بوده و در نتیجه آنرا پیش‌بینی کرده باشند زیرا تبانی بر ارتکاب جرم میان چند نفر (جز به اطلاع هریک از تبانی‌کنندگان از قصد یکدیگر) عقلاً متصور نیست. و (تهیه وسایل و کمک به مجرم) نیز به صراحت بند ۳ ماده مذکور به علم و اطلاع معاون (از آنکه بوقوع جرمی کمک می‌کند) مشروط شده است و این معنی طبعاً ملازمه با وحدت قصد مجرم اصلی و معاون دارد اما در مورد تحریک (یعنی بند ۱ ماده ۲۸) مسلماً در جرائم عمدی باید میان مجرم و معاون (وحدت قصد) موجود باشد زیرا بدون (وحدت قصد) تحریک مصداق نخواهد داشت لیکن در جرائم غیر عمدی که مجرم اصلی نیز قصد مجرمانه ندارد دیگر چنین شرطی (یعنی وحدت قصد) مورد توجه نیست بلکه علم معاون بفاعل مورد تحریک که منشأ جرم است کافی است. اینست مقصود از (وحدت قصد) که بعضی آنرا شرط چهارم برای تحقق معاونت دانسته‌اند. ولی همانطوریکه قبلاً گفته شد (وحدت قصد) شرط مستقلی نیست و از توابع شرط (سوءنیت) یا (خطا) است که یکی از ارکان و شرائط سه‌گانه معاونت است.

باید گفت (وحدت قصد) مطلقاً آنطوریکه شعبه دوم دیوانعالی کشور در رأی شماره ۵۶۴ - ۲۲/۴/۲۶ خود اظهارنظر نموده شرط تحقق معاونت نیست و در بعضی موارد مجرم اصلی و معاون به‌تمام معنا وحدت قصد ندارند و اما عین رأی شعبه ۲ دیوان عالی کشور قرائت می‌شود: (اگر یکی از دو نفر همکار اداری مرتکب اختلاس شود و دیگری با علم و اطلاع سکوت اختیار کند و گزارش ندهد عمل او را نمیشود معاونت تلقی کرد چون رکن تحقق معاونت (وحدت قصد) و تبانی با مجرم است و بعلاوه از امور وجودی است نه عدمی). در موردی که مجرم اصلی و معاون به‌تمام معنی وحدت قصد ندارند یا ممکن است در آغاز معاون جرم با مجرم اصلی (وحدت قصد) و توافق داشته باشند ولی در عمل مجرم اصلی از توافق عدول کند در این صورت حالات مختلفی قابل وقوع است که امثله زیر مبین این حالات است.

مثال اول: شخصی تفنگی بدیگری می‌دهد که بشکار (ممنوع) بپردازد ولی این شخص بجای شکار ممنوع کسی را با آن تفنگ بقتل میرساند (که در این مثال همانطوریکه ملاحظه می‌فرمایید مجرم اصلی و معاون جرم به‌تمام معنی وحدت قصد

ندارند) مثال دوم: سلاحی برای کسی تهیه میشود که مثلاً حسن را بکشد ولی او بجای حسن (حسین) را هدف قرارا میدهد. (وحدت قصد) به تمام معنی در اینجا هم بین مباشر و معاون جرم دیده نمیشود.

در مثال اول یقیناً تهیه‌کننده سلاح (یا معاون جرم) را نمیتوان مسؤول قتل دانست زیرا وی برحسب فرض علم (به اینکه تفنگ در اینجا برای قتل نفس بکار میرود) نداشته و علم او متوجه (شکار ممنوع بوده و چون عمل مزبور واقع نشده موضوع معاونت (بعلت انتفاء یکی از شرائط یعنی وجود عمل اصلی) بکلی منتفی است و تهیه‌کننده سلاح در این فرض بموجب صراحت بندسوم ماده ۲۸ معاون جرم شناخته نمیشود. ولی در مثال دوم هرچند توافق و (وحدت قصد) معاون و مجرم اصلی (برحسب فرض) در قتل (حسن) بوده و در عمل هم به (حسن) تعرضی نشده و به جای او (جعفر) کشته شده است اما چون ضمناً در مطلق قتل نفس توافق و (وحدت قصد) بوده و برطبق آن هم عمل شده است معاون جرم با (تهیه‌کننده سلاح) مسؤول معاونت در قتل شناخته میشود همانطوری که اگر (حسن) بجای (جعفر) به قتل رسیده بود چنانکه هرگاه مجرم اصلی نیز اشتبهاً به قصد قتل (حسن) (جعفر) را میکشت قاتل شناخته میشد زیرا همانطوری که میدانیم (اشتباه در موضوع جرم از هر جهت بی‌تأثیر بوده و سوءنیت بمعنی اعم موجود است) آراء شماره ۱۱۷ - ۴۷/۷/۱۰ و ۱۳۱ - ۱۳۴۷ و ۵۱۲۷ - ۴۶/۴/۲۷ و ۷۲۲۷ - ۴۵/۱۱/۲۴ و ۵۷۳۷ - ۴۳/۱۰/۳ و ۶۷۳۳ - ۴۳/۱۲/۱۱ و ۶۲۵۵ - ۴۳/۱۲/۲۷ و ۶۲۴۳ - ۴۲/۱۲/۲۷ هیأت عمومی دیوانعالی کشور نیز مؤید مطالبی است که فوقاً اشاره شد.

۳- مجازات معاونت

برای تعیین کیفر معاون جرم در حقوق جزا (بطور کلی) سه طریق زیر پیشنهاد شده است:

۱- طریق اول آنکه معاونت را در عین وابستگی بجرم اصلی و (استعاره مجرمیت) مجازاتی خفیف‌تر از کیفر جرم اصلی بدهیم این طریق را وابستگی نسبی مینامند و حقوق جزای ایران نیز این طریقه را پذیرفته و (ماده ۲۹ قانون جزا) میگوید:

(در مورد معاونین مجرم محکمه میتواند نظر به اوضاع و احوال قضیه و یا نظر به کیفیات معاونین مجرم را به همان مجازاتی که برای شریک مقرر است (یعنی حداقل مجازات مجرم اصلی - رجوع شود به ماده ۲۷ همان قانون) محکوم نماید و یا مجازات را از ۱ الی ۲ درجه تخفیف دهد.)

۲- طریق دوم آنکه معاونت را (مطلقاً) وابسته بجرم اصلی بدانیم یعنی (طریق وابستگی مطلق) و آنرا مانند مجرم اصلی مجازات دهیم در این طریق معاون جرم از مجرم اصلی یا (مباشر جرم) استعاره مجرمیت میکند.

۳- طریق سوم اینست که معاونت را جرمی مستقل و جدا از جرم اصلی بدانیم و آنرا کیفری مستقل و متناسب بدهیم. این طریق از دو طریق دیگر که گفته شد بنظر بعضی از حقوق دانان به صواب نزدیکتر است و اینگونه استدلال میکنند که باید به شخصیت خطرناک مجرم نظر افکند و مجازات معاون (صرف نظر از مجازات مجرم اصلی یا اقدام تأمینی که تعیین میگردد) باید متناسب با خطری باشد که آن شخص یعنی (معاون جرم) بر اجتماع دارد.

بنظر اینجانب اتخاذ این طریق دور از انصاف و خارج از روح عدالت اجتماعی و عرفی و حتی دینی ما میباشد که این هم خود موضوع بحثی بسیار مفصل و جداگانه‌ای خواهد بود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی